

## Turkey and Hydro-Hegemonism in the Middle East; A Strategy for Regional Order-Making in the Geopolitics of Mesopotamia

Somaye Hamidi<sup>1</sup>  
Ehsan Mozdkhah<sup>2</sup>

### Abstract

The importance of the research: Turkey's geopolitical position in the Middle East region as an upstream country with Tigris and Euphrates water resources has made Turkey, as a State - activist, use these water resources as a political-security tool in the direction of transition to a central power in the region. Turkey's water policy, which is a sign of conflict with the current structure and order of the Middle East, and tries to increase its regional power by identifying the future crisis of the region, i.e., water, and basically seeks regional order and management to make itself a regional hub and actor become one in the Middle East. The present article tries to answer the question, with a descriptive-analytical method and the use of the confrontation maturity model, with what tools and components is Turkey trying to create dangerous order in the Middle East? The main hypothesis: Turkey, by turning and emphasizing on the hydro political issue and in the form of hydro-hegemonism strategy, is looking for order in the Middle East and becoming a central power in this geopolitical platform. Research findings: Turkey's water action is a tool for regional order, gaining a superior position, transitioning from a regional power to a central power.

**Keywords:** Turkey, maturity of confrontation, hydro-hegemonism, Middle East, Order-Making.

- 
1. Associate Professor of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand, Iran. (Corresponding Author) Somaye.hamidi@Birjand.ac.ir
  2. PhD Student in Political science Department of Political Science Ferdowsi Mashhad, Mashhad, Iran.

---

*Mesopotamian Political Studies*, 2022, Vol. 1, Issue 1, pp. 31-54.

**Received:** 14 March 2022, **Accepted:** 11 June 2022



Copyright © The Authors  
Publisher: Razi University.



## ترکیه و هیدروهمون‌گرایی در خاورمیانه؛ راهبردی برای نظم‌سازی منطقه‌ای در ژئوپلیتیک بین‌النهرین

سمیه حمیدی<sup>۱</sup>

احسان مزدخواه<sup>۲</sup>

### چکیده

اهمیت پژوهش: موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه خاورمیانه به‌عنوان کشور بالادستی و برخوردار از منابع آبی دجله و فرات باعث شده است تا ترکیه به‌منزله یک دولت - کنش‌گر فعال از این منابع آبی به‌مثابه ابزاری سیاسی - امنیتی در راستای گذار به یک قدرت مرکزی در منطقه استفاده کند. سیاست آبی ترکیه که به‌نوعی نشانه تقابلی با ساختار و نظم فعلی خاورمیانه است و درصدد است تا با شناسایی بحران آینده منطقه یعنی آب، بر قدرت منطقه‌ای خود بیفزاید و به‌طور کلی به‌دنبال نظم‌سازی منطقه‌ای و مدیریت آن است تا خود را به هاب منطقه‌ای و بازیگر شماره یک در خاورمیانه تبدیل کند. نوشتار پیش رو درصدد است با روشی توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از مدل بلوغ تقابل، به این پرسش پاسخ دهد که ترکیه با چه ابزار و مؤلفه‌ای درصدد نظم‌سازی مخاطره‌آمیز در خاورمیانه است؟ فرضیه اصلی این است که ترکیه با عطف و تأکید بر مسئله هیدروپلیتیک و در قالب راهبرد هیدروهمون‌گرایی به‌دنبال نظم‌سازی در خاورمیانه و تبدیل شدن به قدرت مرکزی در این پستر ژئوپلیتیکی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که کنش آبی ترکیه ابزاری برای نظم‌سازی منطقه‌ای، کسب جایگاه برتر، گذار از یک قدرت منطقه‌ای به قدرت مرکزی است.

**کلیدواژه‌ها:** ترکیه، بلوغ تقابل، هیدروهمون‌گرایی، خاورمیانه، نظم‌سازی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول)،

Somaye.hamidi@Birjand.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.



## ۱. مقدمه

تغییرات اقلیمی در منطقه خاورمیانه از جمله بسترهای افزایش سطوح تعارضی - تقابلی این منطقه ژئوپلیتیکی است. امروزه آب و امنیت آن و همچنین عواملی که برهم‌زننده، تهدیدکننده و آسیب‌زننده به امنیت منطقه یادشده به‌شمار می‌آیند، اهمیت فزاینده یافته است. مجموعه پیچیده هیدرولیکی در خاورمیانه می‌تواند بر میزان پیچیدگی مناسبات، معمای امنیت و به‌طور کلی امنیت هستی‌شناختی منطقه بیفزاید و به شکاف فزاینده خاورمیانه منجر شود. اهمیت آب در منطقه خاورمیانه امروزه اساساً به عامل تهدید امنیت در منطقه تبدیل شده است. در این میان مناسبات هیدرولیتیکی در حوزه‌های آبریز مشترک و رودخانه‌هایی مانند دجله و فرات به‌واسطه کنش‌گری‌ها، کشورهایی مانند ترکیه را به معادلات امنیتی مبدل ساخته؛ این مهم در ۸ نوامبر ۲۰۲۱ با آنگیزی و افتتاح رسمی سد ایلیسوی ترکیه در قالب پروژه آبی گاپ مطرح شده است. ترکیه همواره با راهبردها و برنامه‌های آب - پایه خود در منطقه خاورمیانه و ژئوپلیتیک بین‌النهرین سعی در ایفای نقش به‌بازیرگر مرکزی در این منطقه را دارد. هدف نهایی این کشور، سیستم‌سازی جدید منطقه‌گرا برای تأمین منافع ملی - منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای است. به همین منظور بررسی سیاست هیدرولیتیکی ترکیه به‌عنوان نشانگانی از بلوغ تقابل در ساختار منطقه‌ای خاورمیانه به‌منظور نظم‌سازی و گذار به یک قدرت مرکزی هدف‌نوشتار پیش رو است. در این مسیر، پرسش اصلی پژوهش این است که ترکیه با چه ابزار و مؤلفه‌ای در صدد نظم‌سازی مخاطره‌آمیز در خاورمیانه است؟ فرض جستار بر این امر استوار است که ترکیه با عطف و تأکید بر مسئله هیدرولیتیکی و در قالب راهبرد هیدروهمژمون‌گرایی به‌دنبال نظم‌سازی در خاورمیانه و تبدیل شدن به قدرت مرکزی در این بستر ژئوپلیتیکی است. یافته‌های پژوهش کنش‌آبی ترکیه ابزاری برای نظم‌سازی منطقه‌ای، کسب جایگاه برتر، گذار از قدرت منطقه‌ای به قدرت مرکزی است.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

در میان آثار فارسی سرخیل (۱۴۰۰)، در مقاله «آب و راهبرد هیدروهمژمون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین» با عطف بر تمهیدات رئالیستی، کنش‌گری آبی ترکیه را در خاورمیانه نوعی موازنه‌سازی قدرت در ساختار منطقه‌ای می‌داند. اکبری و مشهدی (۱۳۹۸) در «تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست‌محیطی» سیاست آبی ترکیه را از منظر تبعات منفی در سطح منطقه و افزایش پدیده ریزگرد بررسی می‌نماید و با تأکید بر مبانی حقوقی سعی در بازنمایی حل و فصل این بحران منطقه‌ای دارند. رمضان‌قوام‌آبادی و زارع (۱۳۹۹)، در مقاله «مناقشات محیط‌زیستی

کشورهای حوزه آبریز دجله - فرات نسبت به سدسازی دولت ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل<sup>۱</sup>، پروژه سدسازی ترکیه در حوزه بالادستی میان‌رودان را به‌عنوان یک معضل زیست‌محیطی از منظر حقوق بین‌الملل بررسی و تبیین می‌نمایند.

در میان آثار لاتین، بتینا کوچ و یانیس استاویچ (۲۰۲۰) در کتاب *امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه: بخش‌ها، متغیرها و مسائل*<sup>۱</sup>، بیان می‌دارند که نظم خاورمیانه به‌واسطه بحران‌هایی همچون زیست‌محیطی به‌سوی امنیت برای خود و ناامنی برای دیگران رفته است. آیسگول کیباروآغلو و همکاران (۲۰۱۸)، در کتاب *سیاست آبی ترکیه*<sup>۲</sup>، ضمن چارچوب‌سازی برای فهم راهبرد آبی ترکیه از منظر روش‌شناختی مهندسی، به چالش‌ها و اهداف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ترکیه از منظر پروژه آب می‌پردازند. با عطف بر آثار پیش‌گفته، وجه تمایز این اثر در این است که ضمن یک چارچوب نظری نوپدید، به واکاوی گفتمان آبی ترکیه در منطقه خاورمیانه و روشن‌سازی اهداف دولت یادشده می‌پردازد.

## ۲. تمهیدات تئوریک

به‌طور کلی منازعه و تقابل عبارت است از وجود اختلافات و ناسازگاری‌هایی که دولت‌ها در نظام بین‌الملل و حوزه منطقه‌ای خود دارند و متناسب با تهدیداتی که برای خود تعریف کرده‌اند به کنش‌گری می‌پردازند (Zartman, 2008: 2). بیشتر تقابل‌ها در روابط بین‌الملل کشمکش‌هایی با ابعاد گوناگون هستند که می‌تواند در سطوح مختلف داخلی و خارجی پدیدار شوند؛ برای مثال، امکان دارد دولتی با تعریف‌هایی گسترده از سطوح تقابل در ساختار منطقه‌ای یا حتی بین‌المللی، ابزارهایی را به‌عنوان کنش‌پیشگیرانه در نظر گیرد تا بتواند به راهکارهای جامعی برای نظم‌سازی و برقراری یک سیستم سیاسی - امنیتی متناسب با الگوهای رفتاری خود دست یابد (صفوی و نبوی، ۱۳۹۹: ۱۰-۱۲). عوامل و روندهای اثرگذار و تغییر در نظم امنیتی مناطقی مانند خاورمیانه در سه عرصه ساختارها، بازیگران و فرایندهای نوظهور مانند مسائل زیست‌محیطی با تأکید بر بحران آب، کنش‌گری‌هایی مبنی بر افزایش نشانگان تقابل با ساختار فعلی منطقه به‌وجود آورده است.

این مسئله بدان معنا است که در نظام بین‌الملل در حال گذار، بی‌ثباتی، عدم قطعیت و تنش وجه غالب رویکردهای منطقه‌ای و بین‌المللی است. درجه بالای عدم قطعیت‌ها در سیستم و نظام منطقه‌ای یش از پیش معادلات منطقه‌گرایانه را با چالش روبه‌رو ساخته است. واقعیت آن است مؤلفه‌هایی همچون

1. Bettina Koch and Yannis Stivachtis (Regional Security in the Middle East; Sectors, Variables and Issues).  
2. Aysegul Kibaroglu et al. (Turkey's Water Policy).

تروریسم، ناامنی، هویت‌های خشونت‌آمیز، فقر، مشکلات اقتصادی، مسائل و تهدیدات زیست‌محیطی، بحران آب و... ثبات منطقه را دچار نشانگان تهدیدزای تقابل ساز کرده است. از جمله نشانگان افزایش سطح تقابل و منازعه در سیستم منطقه‌ای می‌توان به نبود اصل نظم‌دهنده به دلیل پویایی تحولات ژئوپلیتیک، ابهام در بدیل‌سازی و الگوهای جایگزین، بازخیزی رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان بازیگران منطقه‌ای به دلیل مسائل بحران‌ساز و تقابل آفرین است و بازیگرانی در خلال چنین اکوسیستمی در پی پیشینه‌سازی قدرت کارگزاری خود به‌عنوان یک قدرت مرکزی هستند (Baldwin, 2018: 1460).

رهیافت ژئوپلیتیک در نگرش منطقه‌ای به این معنا است که نفوذ و اثرگذاری دولت‌ها برای پیشینه‌سازی قدرت خود در یک بستر منطقه‌ای به وسیله عوامل جغرافیایی است و به‌نوعی چنین الگویی می‌تواند یک کشور را به هاب منطقه‌ای (قدرت مرکزی منطقه‌ای) تبدیل کند. به‌طور کلی چنین منطقی در رفتار سیاست خارجی منطقه‌گرای دولت‌ها توجه به عنصر قدرت خواهد بود؛ به این معنا که افزایش قدرت می‌تواند به تأمین منافع و امنیت ملی آنان منجر شود و به یک فضای حیاتی برای کنش‌گری دست یابد (Acharya, 2007: 645). در سیستم منطقه‌ای یکی از الگوهای رفتاری که رخ می‌دهد؛ منطقه‌ای شدن امنیت و نظم‌سازی است که در پرتو این مسئله قدرت مزبور با پوشش جدیدی بر پایه قدرت و تأمین منافع در صدد نظم‌سازی بر می‌آید.

اساساً مدل بلوغ منازعه و تقابل با ساختار نظام بین‌الملل و نظم منطقه‌ای در قالب کنش‌گری دولت معنا پیدا می‌کند. این گفته بدین معنا است که واحد سیاسی در صدد است برای بازیابی قدرت خود در منطقه و اعمال سیاست خارجی توازن‌ساز و الگوی دولت مدلساز به کنش‌گر برتر منطقه تبدیل شود و به‌نوعی نظم جدیدی از امنیت برای خود به‌وجود آورد و در مقابل نوعی ناامنی برای دیگران شکل دهد (Best and et al, 2019: 144)؛ به عبارتی، بازنمایی چنین نشانگان مثبتی برای (خود) و منفی برای (دیگران) از جمله مؤلفه‌های بلوغ تقابل با ساختار بین‌المللی و منطقه‌ای است و می‌تواند چگالی متفاوتی را مبتنی بر امنیت هستی‌شناختی به‌وجود آورد.

به‌طور کلی بعضی از کشورها در محیط منطقه‌ای خود را در منطق و گفتمان امنیت تعریف می‌کنند به این صورت که در منطقه آنان همواره نظم‌آشوبی و دارای بلوغ تعارضی است؛ پس لازمه زیست در چنین محیطی ساختارسازی و نظم‌سازی برای خود به‌منظور بقا و شناسایی به‌عنوان یک بازیگر - کنش‌گر غالب و دارای قدرت حل و فصل‌کنندگی است که می‌تواند، رهبری جدید برای نظم‌سازی و سیستم‌سازی باشد و به‌نوعی با توجه به موضوع توزیع قدرت در میان دولت‌ها (قطبیت)، ایجادسازی یک ساخت اجتماعی امنیت‌زا برای خود و امنیت‌زدا برای رقیبان در پرتو قدرت‌یابی اهمیت بالقوه یابد و

این قدرت‌گیری می‌تواند با همراهی یک‌سری از نشانگان تقابلی در برقراری نظم مطلوب باشد (امنیت‌سازی برای خود و امنیت‌زدایی برای دیگران). در این مجموعه امنیت‌محور با نشانگان تقابلی - تعارضی دولت‌ها الگویی را اتخاذ می‌کنند که بتوانند در چنین مجموعه‌ای به‌عنوان کنش‌گر برتر شناخته شوند و پدیدآورنده امنیت برای دیگران باشند (Delgado & Stefan, 2017: 66).

به بیان باری بوزان علت این تغییرات در یک ساختار منطقه‌ای و مجموعه نشانگان امنیتی آن تحوّل در درون سیستم منطقه‌ای است که می‌تواند در تعارض، تقابل، هم‌گرایی و تحوّل در قطبیت را به وجود آورد و موجب روی کار آمدن بازیگر جدیدی با روایت‌های نظم‌سازی نوین شود (Buzan & Lena, 2009: 210). به‌طور کلی، الگوی بلوغ نشانگان تقابلی - تعارضی کشورها در یک نظم، منطقه‌محور و منازعه‌خیز بودن الگوهای رفتاری آن در صدد ایجاد سازوکارهای کنترلی در منطقه و تبدیل شدن آنان به بازیگر شماره نخست دارای قدرت برتر است؛ مانند الگوی کنش‌گری آبی ترکیه در خاورمیانه که اساساً در راستای ایجاد سازوکارهای کنترلی و نظم‌سازی جدید منطقه‌ای است. دولت ترکیه در دوران جدید با توجّه به اصل سیاست‌گذاری در صدد تغییر وضع موجود منطقه‌ای و بر ساخت نظم جدیدی در منطقه است که بیشتر چنین وضعیتی با پیگیری یک‌سری از نشانگان تعارضی - تقابلی به سرانجام می‌رسد تا در راستای این رفتار بر سازنده، منافع خود را با امنیت منطقه پیوند دهد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۷-۱۸). وجه مشترک نظم‌سازی و برقراری امنیت با استفاده از راهبرد بلوغ تقابلی، یکسان‌دانستن امنیت دولت به پارادایم غالب سیاست‌گذاری است.

به‌طور کلی نظام بین‌الملل در پسانظم دوقطبی و ظهور مؤلفه‌های جدیدی در ساختار نظام جهانی با تأکید بر پدیده‌هایی مانند توسعه اقتصادی، تغییرات زیست‌محیطی، مهاجرت، شیوع بیماری‌های پاندمیک مانند کرونا، تروریسم، امنیت‌سازی و نظم‌سازی سیستمی در بستر منطقه‌ای در دو حوزه موضوع و مرجع امنیت دچار تحوّل شده است؛ به بیان دیگر، چنین رهیافتی با خوانش بلوغ تقابلی، امنیت‌سازی و برقراری نظم را بر اساس تهدید تبیین می‌کند. بر این اساس، سیستم‌سازی امنیت‌محور رهایی از تهدید خواهد بود و واحد سیاسی می‌کوشد تا امنیت خود را در خنثی‌سازی تهدیدات برای خود تعریف نماید و گاه چنین مدلی می‌تواند تهدیدزایی برای دیگر دولت‌ها در زیست منطقه‌ای باشد و منجر به بازنمایی نشانگان تقابلی با ساختار منطقه‌ای خواهد بود.

بخشی از تهدیدات امروزی در ساختار نظام بین‌الملل و همچنین تهدید جوامع انسانی، اقدامات زیست‌محیطی است مانند پروژه‌های سدسازی ترکیه در قالب رویکرد هیدروپلیتیک منطقه‌محور (Fritsch & Benson, 2020: 29). اگرچه چنین برنامه‌هایی در ظاهر غیر امنیتی است؛ اما در حقیقت این

اقدامات به‌وسیلهٔ ترکیه دارای نشانگان تقابلی و امنیتی برای خاورمیانه است و می‌تواند چنین تهدیدی را به یک تعارض منطقه‌گرایانه تبدیل نماید و بستر ساز بحران جمعی باشد؛ به عبارت دیگر، چنین پدیده‌های محیط‌زیستی مانند کمبود منابع آبی و بهره‌برداری فراتر از انتظار یک دولت از حوزه‌های آبریز مشترک می‌تواند امنیت تمرکز بر امنیت برای خود و امنیت‌زدایی برای عده‌ای دیگر<sup>۱</sup> باشد و مدلی در ادبیات روابط بین‌الملل توجه به تهدیدهایی با عیار جدید یا تهدیدهای فراگذرنده<sup>۲</sup> است (Collins, 2016: 123). به‌طور کلی امنیت‌سازی و ناامنی به ارادهٔ بازیگر در یک محیط منطقه‌ای بستگی دارد.

هدف نوشتار پیش رو در چنین چارچوبی ایجاد یک رژیم حقیقت‌مبنی بر شناخت تهدیدات امنیتی<sup>۳</sup> بازیگر پیش‌گفته، یعنی ترکیه در راستای پروژهٔ گاپ و آبگیری سد عظیم ایلسو در نوامبر ۲۰۲۱ (گام اول) شناخت نشانگان تقابل در ساختار نظم منطقه‌ای؛ تعریف و بر ساخت این کشور به‌عنوان یک تهدید و عامل آشوب (گام دوم) در بستر منطقه برای نظم‌سازی ترکیه محور و امنیتی شدن آن (گام سوم) است. به‌طور کلی، در عرصهٔ سیاست همواره رقابت، تعامل و تقابل وجود دارد و همهٔ دولت‌ها برای کسب، افزایش، حفظ و نمایش قدرت می‌کوشند. در ادبیات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی قدرت امری نسبی است به همین دلیل دولت-ملت‌ها می‌کوشند تا به پیشینه‌سازی قدرت خود پردازند (Bronner, 2017: 64).

آمیثا و آچاریا معتقد است که نظم جهانی به‌طور کلی دیگر تک‌قطبی نیست؛ بلکه نظم بین‌المللی و منطقه‌ای دارای سیستمی «پیچیده»<sup>۴</sup> است. در این نظم دیگر تنها یک بازیگر به‌عنوان ابرقدرت جهانی به‌شمار نمی‌رود؛ بلکه در ادارهٔ نظم بین‌المللی مجموعه‌ای متفاوت و مرکب از دیگر بازیگران، توازن کلی را در نظم‌سازی منطقه‌ای دنبال می‌کنند؛ اما مسیر رسیدن به چنین توازنی (نظم‌سازی) همواره بی‌دغدغه نیست؛ بلکه می‌تواند در برهه‌ای دارای نشانگان تقابلی با ساختار منطقه‌ای باشد. از دیدگاه آچاریا چنین بازیگری از آشفتگی، کنش‌گری آشوب‌زا و تقابل‌ساز، خود سعی در نظم‌سازی سیستمی دارد تا به‌نوعی بتواند حاکمیت منطقه‌ای را به رهبری خود به‌وجود آورد (Acharya, 2014: 10).

نکتهٔ مهم در برقراری نظام‌های حاکمیت منطقه‌ای به رهبری یک کشور که اساساً می‌تواند دارای نشانگان تقابلی با سایر دولت‌های دیگر در منطقه باشد؛ این مسئله است که از ظرفیت قدرت مادی خود

1. (In)Security
2. Transversal Threats
3. Security Threats Knowledge
4. Multiplex

برای نظم‌سازی استفاده می‌کند (Pereira, 2017: 46)؛ مانند راهبرد خاورمیانه‌ای ترکیه در پرتو کنش آبی و سدسازی‌ها در حوزه آبریز مشترک میان رودان (دجله و فرات) که چنین عاملی در درجه نخست ریشه در منطق نظم‌سازی منطقه‌گرایانه ترکیه مبنی بر استفاده از یک نشانه تقابل آفرین یعنی امنیت آب برای قدرت‌افزایی است و در درجه دوم چنین کنشی دارای این گفتمان است که دولت باید کارکرد مدیریتی داشته باشد؛ یعنی در عین بحران‌سازی باید خود عامل حل آن بحران شناخته شود.

## ۱-۲. جامعه امنیتی مخاطره‌آمیز؛ الگوی نظم‌سازی منطقه‌ای

مؤلفه‌های امنیتی و تهدیدسازی<sup>۱</sup> به وسیله آن تهدیداتی برای آینده است که بیشتر به وسیله نشانگان تقابل محور رخ می‌دهد که این نشانه‌ها می‌تواند امنیت‌زدایی، تعارض، آشوب، درگیری، مهاجرت، بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی باشد. به‌طور کلی ساخت جامعه امنیتی مخاطره‌آمیز وابسته به تصمیم‌ها<sup>۲</sup> است (Sorensen, 2012: 54) یعنی این تصمیمات و عملکردها در قالب کنش‌ورزی بازتاب اقدام‌ها و واکنش‌ها است و به‌نوعی نیروهای زایشی دارای نشانگان تقابلی برای ایجاد یک نظم برتری جویانه و دارای منفعت برای خود و مخاطره‌آمیز امنیتی شده برای دیگران هستند. در بستر این نظم‌سازی مخاطره‌آمیز، زایش نیروی محرک چنین تحوّل کنش‌گری یک دولت برای مقابله با رویه‌های بازیگران رقیب در یک سیستم منطقه‌ای است که سعی در محدودسازی کنش‌گری رقیبان دارد و مطابق با تفکر انتقادی در روابط بین‌الملل منجر به ساخت نظم امنیتی مخاطره‌آمیز و شکل‌گیری ناامنی دسته‌جمعی منطقه‌ای می‌گردد (Beverly, 2017: 245).

این روایت، گفتمان مسلطی را تولید می‌کند که می‌تواند آینده یک سیستم و مجموعه را با تهدید و آشوب روبه‌رو سازد و می‌تواند یک آشوب در حال ظهور<sup>۳</sup> را ایجاد نماید. در مورد این عامل با تأکید محیط خاورمیانه می‌توان بیان نمود که تهدیدات زیست‌محیطی مانند کمبود آب و کنش‌گری مخاطره‌آمیز بازیگران در امتداد این تهدید مانند اقدامات ترکیه می‌تواند باعث تشدید تعارضات و تقابل‌های ساختاری و فراساختاری شود و منطقه را با یک‌سری نشانه تقابلی روبه‌رو سازد که این نشانگان تقابل محور توانایی آشوب‌های امنیتی - سیاسی و ساخت یک هرج و مرج را دارند (Wehner, 2017: 421). به‌طور کلی، عدم پاسخگویی دولت‌ها نسبت به اقدامات منطقه‌ای، مقابله‌به‌مثل، توجیه این منطق که برای رسیدن به اهداف منطقه‌ای و جهانی هر اقدامی باید به کار گرفته شود (منطق ماکیاولیستی

1. Threat Into Security  
2. Affiliate on Decision  
3. The Coming Anarchy



از کنش‌گری) باعث ایجاد چرخش‌های برساخت‌گرایانه<sup>۱</sup> و ایجاد مناطق منازعه و تقابل شده است. همواره یکی از شرایطی که باعث ایجاد چنین راهبردهایی در سیاست منطقه‌ای یک کشور می‌شود، به مانند راهبردهای خاورمیانه‌ای ترکیه، شرایط تسریع<sup>۲</sup> است. این شرط توجه خود را در تغییرات منطقه‌ای به واسطه مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی، امنیتی و... مبذول می‌کند و دولت مزبور را وادار به جهت‌گیری متناسب با آن می‌کند که به‌طور کلی برای بقا، افزایش سریع قدرت لازم است (زارع‌زاده، ۱۴۰۰: ۸-۱۱) برای مثال، با توجه به تغییرات در محیط امنیتی منطقه مانند کمبود آب و منابع دسترسی به آن، برخی از کشورها می‌کوشند در چارچوب تأمین منافع ملی - منطقه‌ای خود با یک‌سری از اقدامات در بخش‌های بالادستی مانند کنش‌های ترکیه در بخش‌هایی از دجله و فرات به واسطه سدسازی‌های گسترده در صدد است تا منابع آبی خود را در برابر دیگر بازیگران منطقه به حداکثر برساند و در مواقع بحرانی از آن به‌عنوان یک ابزار بهره‌برد.

چنین راهبردی به مثابه کنش منطقه‌گرایانه به تهدید امنیتی برای دیگران تبدیل می‌شود و فرصتی برای کشور (الف) در جهت موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع خود در راستای نظم‌سازی منطقه‌محور خواهد بود؛ سیاستی که به‌طور معمول بازی با حاصل جمع صفر است؛ یعنی جایی که دستاورد یک طرف به منزله زیان طرف‌های مقابل خواهد بود (Brauch, 2014: 60)؛ به بیان دیگر، این عوامل می‌تواند در بستر ژئوپلیتیکی و ژئوامنیتی منجر به بلوغ نشانگان تقابلی در راستای تغییر وضعیت قدرت گردد؛ یعنی، عملاً کشورها را وارد بر رویه‌های عملی مثل موازنه سیاست قدرت گرداند که نوعی از نشانگان تقابل محور در یک موقعیت منطقه‌ای است. این چنین ساختی نیازمند عاملیت انسانی است؛ مانند شخصیتی همچون اردوغان در ترکیه و تأکید او بر به‌اتمام‌رسیدن پروژه‌های گاپ و داپ که به‌نوعی در پرتو آن خواهان گذار از یک دولت ضعیف در حاشیه به دولت قوی دارای قدرت نظم‌سازی و تعیین‌کنندگی در منطقه است.<sup>۳</sup>

بلوغ تقابل زمانی می‌تواند فوران کند که از حالت و مدل امنیتی‌سازی<sup>۴</sup> گذار یابد و اختلافات فراتر از کنترل طرف‌های درگیر باشد و این چنین درگیری در سطح خرد (درون‌سرزمینی) و سطح کلان (بین‌دولت‌ها) را به وجود آورد؛ به مانند اقدامات هیدروهمزومون‌گرایی ترکیه در منطقه خاورمیانه که می‌تواند ضمن افزایش درگیری‌ها و اعتراضات داخلی در سطح سرزمینی کشورهای پایین دست یعنی عراق،

1. The Constructivist Turn

2. Precipitin Condition

3. Band WA going

4. Securitization

سوریه و ایران، می‌تواند در سطح منطقه‌ای و دولتی نیز منجر به بلوغ نشانگان تقابلی گردد و نظم منطقه محور را در آشوب و درگیری ساخت‌بندی نماید. به‌طور کلی تأثیر عوامل زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی بر امنیت ملی - منطقه‌ای و بروز تقابل به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم ارزیابی می‌شوند. ازجمله ویژگی‌های نشانگان بلوغ تقابل محور در حوزه سیاست خارجی و مطالعات منطقه‌ای ساخت‌یابی ژئوپلیتیک منازعه است که در منطقه خاورمیانه به‌روشنی قابل مشاهده است.

رفتارها بیشتر در محیط روابط بین‌الملل و کنش‌گرهای منطقه‌ای به دو صورت تکاملی و تقابلی دنبال می‌شود. در بستر تعاملی و چندجانبه‌گرایی راهبردی، چانه‌زنی و رفتارهای خارج از خشونت شکل می‌گیرد؛ اما در شکل دوم آن یعنی ژئوپلیتیک تقابلی و نشانگان منازعه‌خیز محیط منطقه‌ای به‌واسطه کنش‌مندی یک دولت به‌سوی نظم تقابل محور حرکت می‌کند. اساساً ساخت ژئوپلیتیک با نشانگان بلوغ تقابلی به‌نوعی رویکردهای غیر منطقی و تطبیق با عدم واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که بیشتر منجر به تقابل و منازعه می‌شود و این عدم مسامحه می‌تواند در مسائل راهبردی مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگی، زیست‌محیطی و... باشد.

وقتی در چنین محیطی سیاست‌ها و رفتارهای بازیگران سیاسی دو مانع جدی در راستای دستیابی به هدف‌های پایدار منطقه‌ای باشد، کنش‌گر (ان) می‌کوشند تا به‌منظور بقا و قدرت‌یابی خود، سیاست رفتاری تنش‌زا را به‌عنوان یک الگوی رفتاری برگزینند (Scholvin, 2016: 8)؛ بنابراین اساس این رهیافت در فهم کنش‌گری منطقه‌ای یک دولت آن است که آن بازیگر سیاسی سعی در ژئوپلیتیک‌سازی و نظم‌سازی به‌واسطه سازه‌های داخلی - ملی خود دارد؛ مانند سیاست‌های آبی ترکیه در منطقه خاورمیانه که منطبق بر این ادعا است و به‌نوعی این کشور می‌کوشد تا با استفاده از این فرصت راهبردی در جهت ارتقا، نفوذ و موقعیت منطقه‌ای - بین‌المللی خود بیفزاید و به‌عنوان دولتی مدل‌ساز - نظم‌ساز بازشناسی شود. با این اوصاف و تعابیر از قدرت‌یابی، داشتن منابع آبی در قالب موقعیت پایدار اقلیمی جایگاه راهبردی را در قدرت‌سازی کشورها دارد. به‌طور کلی ترکیه در راهبرد آبی خود و با توجه به حوزه‌های آبریز مشترک و منتفعان آن بستر توزیعی بازیگر (الف) سعی دارد معادلات موجود منطقه‌ای را به‌عنوان کنش‌گر فعال و کنترل‌کننده، در دست گیرد و عملاً برتری طلبی خود را در توزیع آن بازنمایی کند که چنین نشانگانی بسترساز بلوغ تقابل در یک محیط مشترک منطقه‌ای خواهد شد. چنین بیانی در قالب سازه‌ای هیدرولیکی مانند (سدها و پروژه‌های آبی) سعی در نظم‌سازی هم‌مونیکی جدید منطقه محور دارد. در این روایت دولت در حال توسعه برای ورود به مدرنیته اصلاحات

ارضی و پروژه‌های آبی با این خوانش که هر جایی آب باشد قدرت جاری است،<sup>۱</sup> می‌تواند به قدرت پایدار و نظم‌ساز دست یابد. به‌طور کلی، در چنین بستری قدرت مداخله‌ساز<sup>۲</sup> به‌دنبال پویای امنیتی خود است. به این منظور دولت با پیش‌بینی بحران<sup>۳</sup> به‌عنوان مرحله نخست، پس از آن در گام دوم به تصمیم‌گیری برای مقابله با این بحران می‌پردازد؛ به‌مانند ترکیه با پیش‌بینی بحران آب به‌عنوان تهدید آینده خاورمیانه در صدد تصمیم‌گیری هوشمندانه برای مقابله با این تهدید در قالب پروژه‌های آبی است و در گام آخر با مدیریت این وضعیت برای نظم‌سازی در خاورمیانه اقدام خواهد کرد که به‌نوعی تعیین دستور کار امنیت منطقه‌ای به تأکید بر خود است؛ که این مهم در سیاست‌های ده‌گانه آبی مانند گاپ و داپ به‌چشم می‌خورد. در این بستر کشوری مانند ترکیه در صدد گذار از فاز تهدیدی محیط‌زیستی به فاز امنیتی نظم‌سازی منطقه‌ای است که چنین رفتاری به‌طور معمول تحوّل در ذات امنیت<sup>۴</sup> و مبدل شدن به بازیگر با موقعیت نهادی معنا می‌یابد.

## ۲-۲. نشانگان تعارضی - تقابلی زیست محیطی در مجموعه امنیتی خاورمیانه با

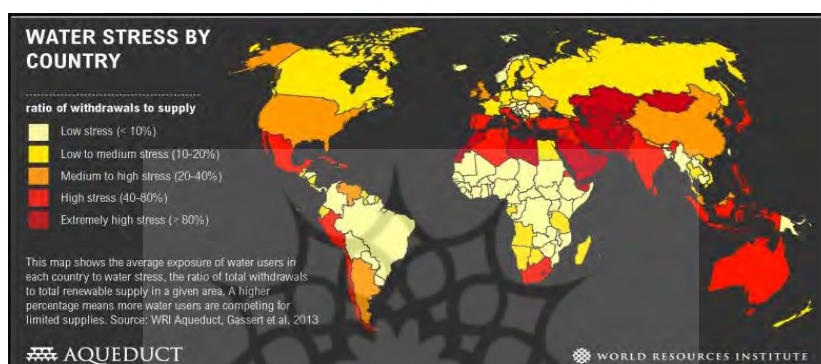
### تأکید بر امنیت آب

در مکتب امنیتی کپنهاگ، مجموعه درهم‌تنیده امنیتی در قالب الگوهای دوستی - دشمنی تعریف می‌شود و ساختاری چنین مجموعه امنیت محور از تعامل میان ساختار آنارشیک (نظم تقابلی) و مجموعه توازن قوا در بستر ژئوپلیتیکی است. مجموعه امنیتی خاورمیانه را می‌توان ساختار پیچیده و دارای نشانگان آشوب و تعارض در نظر گرفت که چنین ساختاری بیشتر در تقابل میان واحدهای سیاسی مؤثر بوده و به‌نوعی بحران‌سازی کرده است (Koach et al, 2019: 27). احساس امنیت‌زدایی (ناامنی) پیشران بحران در مجموعه امنیتی خاورمیانه است.

در این مجموعه پیچیده، به‌دلیل ناهم‌ترازی و نامتوازن بودن ابعاد و ساختارها به‌لحاظ ژئوپلیتیکی، مانند اختلافات مرزی، اقلیم متفاوت، وجود اقتصادهای شکننده، ساختارهای سیاسی ناهمگن و تعارضات مختلف هویتی - ایدئولوژیکی از جمله عوامل و نشانگان تقابلی در نظم منطقه‌ای خاورمیانه بوده است. در این مجموعه به‌دلیل عدم دولت - ملت‌سازی پایدار و سطوح توسعه‌یافتگی نامتوازن، برای حلّ و فصل بحران‌ها پایانی متصور نیست و همواره این بستر، موجب نزاع و تقابل را

1. Flows of Water - Flows of Power
2. Penetrating Power
3. Crisis Anticipation
4. The Essence of Security

فراهم می‌آورد. این گفته بدین معنا است که در این منطقه همواره بحران‌ها یکدیگر را پوشش می‌دهند و زمینه‌سازی تعارضات امنیتی را به وجود می‌آوردند؛ مانند مسائل زیست‌محیطی و امنیت آب که به‌عنوان مسئله جدید امنیتی در فهم ساختار خاورمیانه مطرح شده است (Myriam et al, 2017: 249). ویژگی تیپولوژی - جغرافیایی خاورمیانه بدین گونه است که این منطقه دارای ویژگی آب‌وهوایی گرم و خشک است و منابع آبی برای مصارف اقتصاد کشاورزی و شرب اندک است؛ بر همین اساس مطابق (شکل ۱) منطقه خاورمیانه جزء بسترهایی با بیشترین تنش آبی به میزان بیش از ۸۰٪ در جهان است.



شکل ۱. کشورهای دارای تنش آبی در جهان (موسسه منابع جهانی، ۲۰۱۳)

آب در حال تبدیل شدن به مجموعه هیدروپلیتیکی استراتژیک است و اختلافات در تأمین، تخصیص و برداشت در حوزه‌های آبریز مشترک از جمله بسترهای بلوغ تقابل و منازعه میان دولت‌ها است. مجموعه هیدروپلیتیکی منطقه‌ای، یعنی بهره‌برداری از آب و منابع آبی که توانایی شکل‌گیری خوشه‌های امنیتی را دارد. اقدامات دولتی‌هایی مانند ترکیه در حوزه امنیت آب عملاً، تضاد، تعارض و تقابل با تعریف امنیت آب از منظر سازمان ملل متحد است که بیان می‌دارد: «استفاده از حوزه‌های آبی مشترک یک مسئله مهم برای حفاظت و دسترسی پایدار به منابع آب و افزایش کیفیت آن برای دسترسی سایرین در جهت تأمین معیشت، رفاه و توسعه متوازن همه‌جانبه است.» (Molokwne & Dlamini, 2020: 9) به‌بیان دیگر، کاهش میزان تخصیص آب و مدیریت منابع آبی به‌وسیله بعضی از کشورها به‌واسطه پروژه‌های مدیریتی - توسعه‌ای می‌تواند اکوسیستم منازعه‌آمیز و تقابل محور را در بسترهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کند و عملاً منجر به سیاست‌گذاری خطرناک برای دیگر کشورهای پیرامونی گردد (Wang et al, 2021).

عدم تقارن قدرت سیاسی و پیوند امنیت و توسعه برای یک کشور می‌تواند به پیشینه‌سازی منابع آبی برای خود و کمینه‌سازی آن برای دیگران به‌عنوان یک تهدید ساختاری قلمداد شود و اساساً

هیدروهمزومون گرایی دولتی را در یک حوزه آبریز مشترک مفصل‌بندی نماید؛ به عبارت دیگر، این ساختار به مجموعه امنیتی نابالغ با نشانگان امنیت‌زدایی، یعنی امنیت برای خود و ناامنی‌سازی برای دیگران منجر به بروز تقابل در یک بستر مشترک آبی می‌گردد؛ به دیگر سخن، این نظم و ساختار پیشران ایجاد یک اکوپلیتیک تقابل محور با نشانگانی همچون (۱) جنگ و تقابل میان کشورهای همسایه؛ (۲) هیدروهمزومون گرایی؛ (۳) تنش و بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی، امنیتی و زیست‌محیطی می‌گردد. منطقه اقلیمی خاورمیانه، خشک‌ترین منطقه روی زمین است که دوازده کشور از پرتش‌ترین‌ها از نظر بحران آب در این منطقه ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرند (Hinnebusch & Gani, 2020: 52).

سرانه در دسترس بودن آب از باران، رودخانه‌ها و منابع زیرزمینی یک‌ششم میانگین جهانی است و انتظار می‌رود؛ این میزان دسترسی به آب تا سال ۲۰۵۰ به نصف برسد. دلایل زیادی برای این بحران وجود دارد که شامل تغییرات اقلیمی و افزایش تقاضا برای آب هم‌زمان با رشد جمعیت می‌شود، مدیریت ضعیف منابع یکی دیگر از معضله‌های اقلیمی و سیاست‌گذاری در این منطقه است؛ البته سیاست‌های بیهوده در بخش کشاورزی، آب در نتیجه مصرف بیش‌از اندازه آب‌های زیرزمینی روش‌های منسوخ آبیاری و حتی هدررفت آب به وسیله تجهیزات مستهلک‌شده سبب شده که در خاورمیانه ۸۵٪ آب در بخش کشاورزی مصرف شود. کمبود آب همچنین بر امنیت منطقه تأثیر گذار است (Salman, 2015: 8).

در سوریه خشک‌سالی بسیار شدیدی در اواخر دهه ۲۰۰۰ میلادی باعث موج عظیم مهاجرت یک و نیم میلیون نفر از مناطق روستایی به شهر شد. تحلیل‌گران اذعان می‌دارند، این نارضایتی که ادامه یافت به خیزش‌های سال ۲۰۱۱ مردم بسیار کمک کرد. به تازگی اعتراضات محلی که نشان‌دهنده کمبود منابع آبی در منطقه خاورمیانه است، باعث شده تا مسئله آب به عنوان یک بحران جدی مطرح باشد (Clarke et al, 2022: 228). انتظار می‌رود با بالا رفتن دما به عنوان دوران تنش دمایی و کاهش میزان بارندگی که ناشی از تغییرات اقلیمی است، به عنوان کاتالیزورهای امنیتی شدن بحران آب خواهد بود و این عوامل استرس‌زا چه بسا بیشتر زمین‌های قابل کشت این منطقه را به بیابان تبدیل خواهد کرد و امنیت غذایی در منطقه را با مخاطره روبه‌رو خواهد کرد.

در کشورهای منطقه خاورمیانه، رشد فزاینده جمعیت، تغییرات آب‌وهوایی، افزایش دوره‌های خشک‌سالی، کاهش منابع تأمین آب پایدار و افزایش دوره تنش‌های دمایی (بالا رفتن درجه حرارت هوا) بحران امنیت زیست‌محیطی به عنوان مسئله‌ای چالش‌زا و تقابل‌ساز را مطرح کرده است. ارزیابی

آکادمیک و نهادی در ارتباط با ویژگی جغرافیایی خاورمیانه نشان می‌دهد که سیستم‌های کشاورزی منسوخ شده وابستگی به منابع آبی را افزایش می‌دهد و در آینده‌ای نزدیک بر میزان این وابستگی افزوده خواهد شد؛ همچنین هیت بین دولتی تغییر اقلیم<sup>۱</sup> پیش‌بینی کرده است در کنار افزایش سطح دما در خاورمیانه، در این منطقه تا سال ۲۰۵۰ جمعیتی بالغ بر هشتاد تا صد میلیون نفر در معرض تشش و منازعه آبی خواهند بود؛ از سوی دیگر عواملی مانند کاهش محصولات باکیفیت کشاورزی، از بین رفتن بخش عظیمی از اقتصاد کشاورزی، بیابان‌زایی، افزایش پدیده‌هایی مانند ریزگردها، شیوع بیماری‌های تنفسی، افزایش بیکاری و جمعیت به‌عنوان بسترهای امنیت‌زدایی و بلوغ نشانگان تقابلی در خاورمیانه به‌همراه خواهد داشت (ناصحی و گودرزی، ۱۳۹۹: ۱۱۱).

در کنار این مسائل کنش‌گری مخرب بازیگرانی همچون ترکیه در قالب راهبردهای هیدروهمومون‌گرایانه برای نظم‌سازی جدید در خاورمیانه مانند پروژه‌های سدسازی و آبگیری آن‌ها بحران زیست‌محیطی به بحران امنیتی - سیاسی مبدل خواهد شد و خاورمیانه را در جنگ درون‌منطقه‌ای گرفتار خواهد کرد. کارشناسان سازمان ملل با اعلام این موضوع که تا سال ۲۰۵۰ میزان آب در منطقه به نصف کاهش خواهد یافت که این عامل خود به‌عنوان نشانه تقابل و تعارض در خاورمیانه خواهد بود که اساساً به‌واسطه اقدامات دولتی‌هایی همچون ترکیه و راهبردهای هیدرولیکی آن مسئله زیست‌محیطی را به بحران امنیتی فراگیری تبدیل خواهد کرد. چنین آینده‌ای به‌واسطه اقدامات آبی ترکیه مانند سدسازی‌های گسترده در پروژه‌هایی مانند گاپ در خاورمیانه اجتناب‌ناپذیر است و سیستم‌های عرضه آب را می‌تواند به کاتالیزور بحران‌زایی تبدیل نماید.

## ۲-۳. کنش هیدروهمومون‌گرایی ترکیه در خاورمیانه؛ امنیت برای خود و ناامنی برای دیگران

در زمینه مطالعات منطقه‌ای و تبیین بسترهای امنیتی در حوزه‌های ژئوپلیتیکی دیدگاه‌ها و رهیافت‌های متفاوتی مطرح است؛ اما به‌طور کلی تئوری رئالیسم و تلفیق آن با خوانش‌های جامعه‌شناختی می‌تواند در فهم این تعارضات و نشانگان تقابلی مؤثر باشد. تحلیل موضع امنیت در خاورمیانه بر مبنای توانمندی نظامی، قابلیت‌های اقتصادی، منابع حیاتی، مشروعیت سیاسی قابل فهم است و بر ضریب امنیت دولت‌ها در منطقه اثر می‌گذارد؛ اما مهم‌ترین چشم‌انداز در بازفهمی ساختار امنیتی خاورمیانه، افزایش نشانگان بلوغ تقابل محور است. در این دستگاه تفسیری برای تحلیل منازعات و پیچیدگی‌های آشوب‌محور

1. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)

خاورمیانه دولت‌ها واکنش‌های مربوط به آن که به‌طور کلی در راستای تولید قدرت (گام نخست) است می‌تواند ابزاری برای کسب برتری (گام دوم) و در نهایت موازنه‌سازی در برابر رقیبان و تبدیل شدن به یک بازیگر دارای قدرت اثرگذاری و نظم‌ساز است (گام سوم)؛ به عبارت دیگر این اقدام از سوی دولت می‌تواند بازنمایی یک دولت هابزی (لویاتان دارای قدرت) در سیستم آشوب‌محور و دارای ساختارهای نهفته تقابلی باشد که عملاً می‌تواند امنیت برای خود و ناامنی برای دیگران ایجاد نماید (ناامنی برای دیگران). این تفسیر و روایت‌سازی در نظام امنیتی - تقابلی خاورمیانه با تأکید بر نشانگان بحران آب می‌تواند مد نظر قرار گیرد و آغازگر یک سری از تعارضات و تقابل‌های امنیتی - سیاسی باشد (Hewitt, 2020: 115).

بر اساس آمار و ارقام بین‌المللی کشورهای خاورمیانه به دلیل رشد جمعیت و منابع ثابت و روبه کاهش آب با بحران روبه‌رو هستند که در نهایت منجر به کاهش و کمبود آب می‌شود. مسئله آب از جمله بحران‌های امنیتی خاورمیانه است که توانایی تبدیل شدن به چالش‌های تقابل‌محور امنیتی را دارد. بر این اساس این مباحث، امروزه در ادبیات روابط بین‌الملل آب و چگونگی تخصیص آن مهم‌ترین موضوع زیست‌محیطی است و به‌طور کلی یک امر امنیتی بازنشاسایی شده است که می‌تواند منجر به نظم‌سازی تقابلی گردد. آب هدف استراتژیک ترکیه و این مسئله ابزار چانه‌زنی و کسب قدرت است. ترکیه سالانه ۵۲۰ میلیارد مکعب آب از راه تغییرات جوی دریافت می‌کند. این کشور دارای رودهای فراوان و پرآب است. مجموع مساحت دریاچه‌های این کشور که با ۳۰۰ دریاچه طبیعی و ۱۳۰ دریاچه مصنوعی حدود ۹۲۵۰ کیلومتر مربع است، میزان بالایی از ذخیره آبی را در منطقه خاورمیانه دارد و از جمله کشورهای منطقه است که بحران آب تهدیدی وجودی برای آنان به‌شمار نمی‌رود. این کشور با عطف به این مسئله و شناسایی بحران آینده منطقه و اهمیت آب در نظم معادلاتی خاورمیانه با اتخاذ پروژه‌ها و راهبردهایی مانند گاپ، می‌کوشد از مؤلفه آب به‌عنوان اهرمی سیاسی در مدیریت نظم منطقه بهره‌برداری کند. عملیاتی‌سازی این طرح به‌وسیله ترکیه مصداق بارز بلوغ نشانگان تقابلی با ساختار منطقه‌ای توسط ترکیه است که در پرتو استفاده از بحران آب برای دولت‌های پایین‌دست در صدد نظم‌سازی در دل بحران است.

## ۲-۴. کنش آبی ترکیه؛ نظم‌سازی و مدیریت منطقه‌ای

عدم تقارن و توازن قدرت سیاسی در میان کشورها در یک حوزه آبریز مشترک و استراتژیک در میزان

### 1. (In) Security

برداشت از منابع طبیعی، یعنی آب را منطبق تعارضی آب در میزان برداشت می‌نامند. این راهبرد به وضعیتی اطلاق می‌شود که یک کشور با طراحی استراتژی برداشت از آب، سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد (Warner and Zeitoun, 2008: 808). در این نگرش و سیاست‌گذاری به‌وسیله دولت، تعیین یک قدرت برای تعیین‌کنندگی نظم و ساختار منطقه‌ای می‌تواند بحران‌سازی را به‌وجود آورد. در این چارچوب اقدامات ترکیه در انجام پروژه‌های سدسازی در دجله و فرات اساساً در راستای افزایش و بلوغ نشانگان تقابلی برای سایر بازیگران منطقه‌ای است. به‌طور کلی، میان مسئله آب و امنیت ارتباط پیوسته و همبسته‌ای برقرار است و اختلال در روند توزیعی آن می‌تواند در فعالیت‌های اقتصادی، تهدیدات امنیت غذایی منطقه‌ای، اختلال در امور صنعتی، اثرات منفی و مخرب داشته باشد و عملاً منجر به ایجاد حفره‌های امنیتی - سیاسی در راستای بی‌ثباتی گردد.

تنش‌های هیدرولوژیکی و هم‌سویی آن با راهبردهای هیدروهمون‌گرایی در بستر منطقه‌ای می‌تواند به معنایی امنیت و تنش‌های سیاسی تبدیل شود و رقابت را به عنصر جدایی‌ناپذیر یک گسترده ژئوپلیتیکی تبدیل سازد و در نهایت منجر به امنیت‌زدایی منطقه‌ای و تقابل‌های امنیتی در حوزه حکمرانی شود (Armitage & Plummer, 2019: 296)؛ به بیان دیگر، هم‌راستایی دو متغیر کمبود منابع آبی و رفتارهای تنش‌زای بازیگران در یک منطقه ژئوپلیتیکی می‌تواند بستر ساز تقابل، منازعه و آشوب شود. تا یک دهه گذشته صحبت از اهمیت آب در خاورمیانه چندان جدی تلقی نمی‌شد؛ اما امروزه آب و امنیت آن و همچنین عواملی که برهم‌زننده، تهدیدکننده و آسیب‌زننده به امنیت منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌آیند، اهمیت فزاینده یافته است (Kankal, 2016: 124).

اهمیت آب در منطقه خاورمیانه امروزه به‌طور مستقیم به عامل تهدید امنیت منطقه تبدیل شده است. در این میان مناسبات هیدروپلیتیکی منطقه در حوزه‌های آبریز مشترک، پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی خاص خود را دارد. یکی از این حوزه‌های آبریز مشترک رودخانه‌های دجله و فرات است که با آنگیری سد ایلسو وضعیت حساس‌تری پیدا خواهد کرد. ترکیه در تلاش برای دستیابی برتر به منابع آبی در منطقه است که می‌تواند منجر به پیچیده‌شدن مناسبات امنیتی در خاورمیانه و نظم‌سازی منطقه‌ای ترکیه گردد. رودهای دجله و فرات در تمامی آبراه‌های فرعی این دو رود شبکه هیدروپلیتیکی دجله و فرات را تشکیل می‌دهد. این سامانه و سازه طبیعی ژئوپلیتیکی منطقه به مساحت حدود ۳۵/۶۰۰ هزار کیلومتر مربع را دربر گرفته است که اصلی‌ترین شریان آبی - رودخانه‌ای در غرب آسیا به‌شمار می‌آید. شبکه هیدروپلیتیکی دجله - فرات از سرزمین ارمنستان در شرق ترکیه سرچشمه گرفته است و با گذشتن از سوریه و عراق به خلیج فارس می‌ریزد.



جدول ۱. حوضه آبریز دجله و فرات در خاورمیانه (رشیدی، ۱۳۹۸: ۲۷-۲۸)

کشور	رودخانه دجله		رودخانه فرات	
	مساحت از حوزه آبریز (Km <sup>2</sup> )	درصد از کل حوزه	مساحت از حوزه آبریز (Km <sup>2</sup> )	درصد از کل حوزه
ترکیه	۵۴۱۴۵	۲۴/۵	۱۲۵۰۰۰۰	۲۸/۸
سوریه	۸۸۴	۰/۴	۷۶۰۰۰	۱۷/۱
عراق	۱۲۳۹۸۱	۵۶/۱	۱۷۷۰۰۰	۳۹/۹
ایران	۴۱۹۹۰	۱۹	-	-
مجموع	۲۲۱۰۰۰	۱۰۰	۴۴۴۰۰۰	۱۰۰

این سامانه بخشی از ناحیه بوم‌شناختی دجله - فرات است که عراق و بخش‌هایی از ترکیه، سوریه، ایران، عربستان سعودی، کویت و اردن را دربرمی‌گیرد. ترکیه مهم‌ترین کشور حوزه میان‌رودان بوده و سرچشمه دجله - فرات است. به‌باور بسیاری از متخصصان و استراتژیست‌ها، ترکیه منابع آبی کافی حتی مازاد بر مصرف را دارد. ۹۸/۸٪ از آب فرات و حدود ۴۵٪ و به‌روایتی ۵۰٪ از آب دجله را در اختیار این کشور است و این میزان حدود ۱/۴ کل منابع آب ترکیه را تشکیل می‌دهد. از دهه ۱۹۷۰ سوریه و ترکیه آغاز به بهره‌برداری از رودخانه فرات از راه آبیاری‌های بزرگ مقیاس و پروژه‌های تولید نیروی برقایی کردند و منابع آبی به‌عنوان مسئله بحرانی در روابط سه کشور مطرح شد.

در دهه ۱۹۸۰ و به‌طور مشخص در سال ۱۹۸۳، ترکیه پروژه‌های بسیاری را که از پیش در نظر داشت، با یکدیگر ادغام نمود و این امر راه را برای طرح عظیم عمرانی آناتولی شرقی (گاپ) در یکی از محروم‌ترین مناطق ترکیه باز کرد. این طرح پروژه‌ای است که در آن ترکیه بر بخش‌های بالادستی رودخانه دجله و فرات در مجموع بیست و دو سد و نوزده نیروگاه برق‌رسانی و صدها کیلومتر کانال آب‌رسانی تأسیس کرده است. این پروژه در مناطق آدیامان، باتمان، دیاربکر، شیراناک، کیلیس، اورفا - ماردان که در حوزه میان‌رودان و حاشیه دجله - فرات واقع شده‌اند، دربر گرفته است. بیشتر این مناطق کردنشین هستند. نخستین مرحله این طرح مشتمل بر سیزده پروژه اصلی برای آبیاری و تولید انرژی با هزینه‌ای در مجموع معادل دوازده میلیارد دلار بر روی دجله - فرات بوده است (Behnassi and McGlade, 2017: 245).

سد ایلیسو سومین پروژه برقایی بزرگ گاپ با ظرفیت تولید ۱۲۰۰ مگاوات است. مخزن آب این سد تقریباً ۳۰۰ کیلومتر مربع از دره دجله را به خود اختصاص می‌دهد. ساخت سد ۱۰/۴ میلیارد متر مکعبی ایلیسو از دسامبر سال ۲۰۱۴ روی سرشاخه‌های دجله آغاز شد و عملیات آبیگری آن در تابستان

۲۰۱۹ بدون پوشش خبری شروع گردید. آنچه در این میان به پیچیدگی مناسبات سیستمی هیدروپلیتیکی خاورمیانه و بازیگران اصلی این دو حوزه دامن می‌زند، عبارت‌اند از: نبود رژیم حقوقی آبی مورد قبول هر سه کشور برای تعیین میزان حق آبه مورد نیاز. مشکلات رودخانه‌های دجله - فرات بیش از آنکه کمبود بارش باشد، از عدم هماهنگی میان سه بازیگر اصلی این حوزه‌ها ناشی می‌شود.

در بُعد منطقه‌ای مهم‌ترین مسئله حق آبه دجله و فرات است که دولت ترکیه سال‌ها با بهره‌برداری مسئولانه از وضعیت آشفته و منازعه‌آمیز منطقه، ضعف دولت‌های عراق و سوریه و جنگ طولانی مدت منطقه‌ای آن را در قالب پروژه گاپ به حق مسلم خود به‌عنوان کشور بالادستی تبدیل کرده است (Conker, 2018: 9). پیشینه مذاکرات سه کشور برای دستیابی به حق آبه نیز گویای مقطعی بودن این مذاکرات و نبودن اراده معطوف به حل معضل ویژه، یعنی امنیت آب و میزان برداشت‌ها از حوزه‌های آبریز مشترک میان سه کشور پیش‌گفته است؛ از سوی دیگر، ترکیه تاکنون با واکنش مؤثر کشورهای پایین دست در حوزه بین‌النهرین یعنی عراق، سوریه و حتی ج.ا.ایران مواجه شده است. با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت سال‌ها جنگ در کشورهای پایین دستی دجله - فرات و عدم اولویت داشتن مسائلی مانند آب و امنیت آن و نزاع بر سر بقای دولت عملاً پرداختن به مسائل زیست محیطی را از حوزه اولویت‌های راهبردی و سیاست‌گذاری آنان خارج کرده است که می‌تواند منجر به تغییر چهره ژئوپلیتیکی و مخدوش‌سازی چهره ژئوکالچری میان‌رودان شود. از بین رفتن کشاورزی در جلگه رودخانه دجله - فرات در عراق منجر به صدمه وارد شدن به کشاورزی این کشور پایین دست، بیکاری افراد و مهاجرت‌های اجباری و تغییر ترکیب جمعیتی شده است؛ امری که می‌تواند سبب تنش‌ها، تعارضات و تقابلهایی به‌مانند سوریه و سرآغاز تنش‌ها و معضلات اجتماعی ویران‌گر گردد و شاید منجر به بازیابی گروه‌های رادیکالی - تروریستی مانند داعش شود.

به نظر می‌رسد ترکیه در سیاست‌های آبی تقابل با ساختار و نظم فعلی خاورمیانه را در دستور کار قرار داده است تا با افزایش سطح تعارض و تقابل در منطقه، خود را به‌عنوان دولتی نظم‌ساز و الگوساز مطرح کند و عملاً تبدیل به هاب منطقه‌ای و کنش‌گر برتر منطقه شود. این گفته بدین معناست که این کشور به دنبال آن است تا با استفاده از عاملیت آب، به کسب یک موقعیت سیاسی - امنیتی برتر برسد و از پروژه هیدروپلیتیکی به قدرت دست یابد. در گفتمان رایج دولت ترکیه تأکید بر مسئله امنیت آب نشانگان بلوغ تقابل و تعارض به چشم می‌خورد؛ مانند بیان تورگت اوزال که بیان داشت «آب رودخانه فرات به ارزانی فروخته شد» یا گفته سلیمان دمیرال که از واژه «آب کشور ترکیه» استفاده کرد. چنین نشانگان گفتمانی دربرگیرنده تلاش برای موقعیت‌یابی برتر آبی در خاورمیانه است که به‌نوعی به دنبال

کسب مشروعیت و بازنمایی این مفهوم که آب برای من است، می‌باشد (Eren, 2018: 27). این چنین روایتی از سیاست‌های آبی ترکیه در قالب مکانیزم فرصت - تخطی<sup>۱</sup> است؛ یعنی استفاده از فرصت منابع آبی برای تخطی و گذار به یک نظم جدید منطقه‌ای که این بیان یعنی اساساً جدایی از عرف بین‌المللی به منظور تأمین منافع ملی و امنیتی سازی آن. سیاست‌های آبی ترکیه در طرح گاپ و داپ خلاصه نمی‌شود؛ بلکه این کشور پروژه‌های ده گانه هیدرولیکی برای هیدروهمون‌گرایی تدوین کرده است که شامل: داپ، گاپ، آناتولی مرکزی، آنگ‌گاپ، تراگپ (توسعه تراکیه)، مرمره‌گپ، توسعه مدیترانه (آک‌دیزگپ)، توسعه غرب دریای سیاه (باک‌گپ)، توسعه شرق دریای سیاه و دشت قوینه (کوپ) از جمله پروژه‌های آبی ترکیه در منطقه آسیا است که می‌تواند در قالب رویکرد فرصت - تخطی دارای مزایایی همچون تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه‌ای، تولید ثروت و توسعه اقتصادی داخلی، وابسته‌سازی کشورهای پیرامونی به کنش‌گری منطقه ترکیه، ارتقای منزلت و وزن ژئوپلیتیکی از حضور گسترده تا چالش‌زایی در برابر رقیبانی همچون ج.ا.ایران را شامل می‌شود.

جدول ۲. سدهای احداث شده در پروژه گاپ (Kibaroglu et al, 2012: 212)

نام سد	سال تکمیل	رودخانه	نوع سد	ظرفیت کل مخزن	ارتفاع	توان خروجی (مگاوات)
آتاتورک	۱۹۹۲	فرات	خاکی - سنگریزه‌ای	۴۸۷۰۰	۱۶۹	۲۴۰۰
کم‌گری	۱۹۹۹	فرات	خاکی	۵۶	۴۵	-
بیرجیک	۲۰۰۰	فرات	وزنی بتنی	۱۲۲۰	۶۲/۵	۶۷۲
هانجاگیز	۱۹۸۷	فرات	خاکی رسی	۱۰۰	۴۵/۵	-
کاراکایا	۱۹۸۷	فرات	وزنی قوسی	۹۵۰۰	۱۵۸	۱۸۰۰
کارکامیش	۱۹۹۹	فرات	خاکی	۱۵۷	۲۱/۲	۱۵۹
باتمان	۱۹۹۸	دجله	خاکی	۱۱۷۵	۷۴	۱۶۰
دجله	۱۹۹۷	دجله	خاکی	۵۹۵	۷۵	۱۱۰
کراکلیزی	۱۹۹۷	دجله	خاکی	۱۹۱۹	۱۱۳	۹۴
کایاجیک	۲۰۰۵	فرات	خاکی	۱۱۶	۴۵	-
گازران	۲۰۱۲	دجله	خاکی	۱۶۵	۱۱۳	۴۹
سیریمتاس	۲۰۱۳	فرات	وزنی بتنی	-	۹۲	۲۸
سیزره	۲۰۱۴	دجله	خاکی	۳۶۰	۴۶	۲۴۰
ایلیسو	۲۰۱۷	دجله	خاکی	۱۰۴۱۰	۱۳۵	۱۲۰۰
سلیوان	۲۰۱۸	دجله	خاکی	۷۳۰۰	۱۷۴/۵	۱۶۰
سنتی تپه	۲۰۱۷	فرات	وزنی بتنی	۴۴	۶۰/۵	۲

## 1. Opportunity - Offense Mechanism

به طور کلی، با به‌سرانجام‌رسیدن پروژه‌های سدسازی ترکیه به‌عنوان نشانگان بلوغ تقابل محور در بستر منطقه‌ای خاورمیانه، این راهبرد موازنه‌ای قدرت به‌وسیله ترکیه از عوامل اصلی و کاتالیزورهای مخرب و خشک شدن مساحت زیادی از زمین‌های کشاورزی عراق و سوریه است؛ به‌عبارت دیگر، ترکیه به‌واسطه سدسازی‌هایی با ظرفیت عظیم حجم آب دلیل اصلی بر خشک شدن دشت‌های میان‌رودان است و زمین‌های این منطقه با کاهش شدید رطوبت خود منبع مهمی در تولید ریزگردها به‌شمار می‌رود. دولت ترکیه با افتتاح سد بزرگ آتاتورک و آبگیری سد عظیم ایلیسو در سال ۲۰۲۱ پدیده‌های زیست‌محیطی مانند ریزگردها را به‌عنوان مؤلفه جدایی‌ناپذیری در اکوسیستم کشورهای عراق - ایران به‌وجود آورده که خود این مسئله باعث تعارضات داخلی در منطقه شده است.

از دیگر سدهای افتتاح‌شده ترکیه که بر چالش‌های زیست‌محیطی منطقه دامن زده و توانایی تبدیل تهدیدات زیست‌محیطی به یک چالش امنیتی - سیاسی را دارد، سد ایلیسو است. سد ایلیسو که پس از سد آتاتورک دومین سد بزرگ ترکیه بنا شده است. این سد با مخزنی به ظرفیت ۴۳ میلیارد متر مکعب آب یعنی سه‌برابر سد کرخه در ایران است که به‌گفته مقامات دولت ترکیه، با وجود تأمین منابع آبی می‌تواند ۱۲۰۰ مگاوات برق تولید نماید. حجم آبگیری این سد را به‌طور کلی بین ۳۵ تا ۴۵ میلیارد متر مکعب تخمین زده‌اند که این حجم از ظرفیت آبی به‌وسیله این سد باعث خشک شدن ۶۷۰ هزار هکتار زمین کشاورزی در عراق خواهد شد و به‌نوعی بستر ساز بحران‌های امنیتی - سیاسی و اجتماعی است. این سد سالانه ۲/۸ میلیارد لیر معادل ۴۱۲ میلیون دلار به اقتصاد ترکیه کمک خواهد کرد که این مهم به‌وسیله تولید برق در طی سال‌های ۲۰۲۱ الی ۲۰۲۵ به میزان ۴/۱ میلیارد کیلووات ساعت خواهد بود. از چندین دهه درگیری لفظی میان ترکیه و عراق، این کشور با عدم توجه به حق آبه عراق و امنیت زیست‌محیطی این منطقه و تاحدودی ایران سد ایلیسو را در قالب پروژه گاب افتتاح کرد و از این راه گام محکمی برای اثبات ژاندارمی جدید خاورمیانه برداشت، زیرا در روابط بین‌الملل دیگر موازنه قدرت به‌صورت تک‌وجهی نیست؛ بلکه امروزه ترکیه با استفاده از مؤلفه آب در صدد برقراری یک موازنه جدید قدرت است. محل احداث این سد در دارگچیت، استان ماردین است که در ۸ نوامبر ۲۰۲۱ با مخزنی به بزرگی ۱۰/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ متر مکعب به بهره‌برداری رسید. با ساخت این سد از ورود ۶۰٪ آب رود دجله به عراق جلوگیری می‌شود و در پی آن اندک آبی که از راه سیل‌ها یا مسیل‌ها به عراق خواهد رسید، به‌وسیله خود این کشور مصرف خواهد شد و عملاً هیچ‌میزانی نصیب تالاب هورالعظیم ایران نخواهد شد و قسمت بزرگی از این تالاب خشک خواهد شد. پیامد این امر، افزایش ریزگردها، طوفان‌های شن و ماسه، مهاجرت، از بین رفتن اقتصاد پیرامون تالاب‌ها خواهد شد که خود

می‌تواند در میان‌مدت و بلندمدت به معضل سیاسی، امنیتی و اجتماعی برای بعضی از شهرهای ایران در ناحیه غرب کشور تبدیل شود.

نکته دیگر در ارتباط با افتتاح رسمی سد ایلسو پیوند میان ترکیه و اسرائیل در منطقه غرب آسیا خواهد بود؛ بدین معنی که جدای از بحث ذخیره آب این سد می‌تواند ضمن تولید برق در افزایش صادرات برقی ترکیه به اسرائیل کمک‌کننده باشد و بستر یک ارتباط دوجانبه قوی میان این دو کشور را برقرار نماید. از دیگر نشانگان بلوغ تقابلی سیاست آبی ترکیه در خاورمیانه استفاده از آب به‌عنوان ابزار فشاری برای مقابله با کردها است که به‌نوعی برداشت از نقش منطقه‌ای این کشور به‌وسیله سیاستمداران آنان است (پوراابراهیم، ۱۳۹۳: ۱۳۰). در اکتبر سال ۲۰۱۹ با تعطیل شدن ایستگاه پمپاژ آب به‌وسیله شورشیان تحت حمایت ترکیه در شمال سوریه عملاً آب بخش مهمی از مناطق کردنشین که تأمین می‌شد، به‌وسیله ترکیه به‌خطر افتاد. ترکیه با بستن آب روی کردهای سوریه، آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد و این مسئله سلاحی علیه کردها به‌شمار می‌رود. در ظاهر به‌نظر می‌رسد پروژه گاپ در ابتدا با هدف تأمین انرژی از راه سدسازی صورت می‌گیرد؛ اما در واقع این پروژه بخشی از سیاست‌های ترکیه در قبال کردها محسوب می‌شود. به‌طور کلی ترکیه با ایجاد پروژه سدسازی و آبی قصد دارد جمعیت کردهای ترکیه را تحت نظارت خود درآورد و مسیرهای تردد نیروهای حزب کارگران کردستان ترکیه<sup>۱</sup> را قطع کرده و در نتیجه تحرکات این نیروها را با مشکل روبه‌رو سازد (Olawuyi, 2022: 139). به‌باور بسیاری از پژوهشگران روابط بین‌الملل و امنیت انرژی، ترکیه دیرزمانی است که از اهرم آب برای نظم‌سازی و برقراری سیستم منطقه‌ای جدیدی برای خاورمیانه استفاده می‌کند و هدف آنان کنترل کردهای منطقه است؛ به‌عبارت دیگر، با آغاز آنگیری سد ایلسو در حسن کیف، ترکیه عملاً پروژه تمدن چندهزارساله کردها با لطمه‌های جبران‌ناپذیری روبه‌رو خواهد شد و این عامل به‌نوعی باعث تعارض فرهنگی و مهاجرت هشتاد هزار نفر خواهد شد. پس از خروج آمریکا از شمال سوریه در اکتبر ۲۰۱۹ پروژه ایجاد محدودیت دسترسی به آب به‌عنوان ابزار موازنه‌ساز قدرت در اختیار ترکیه قرار گرفت و به‌نوعی در صدد برآمد تا ضمن کنترل کردهای منطقه، عملاً راهبرد هیدروهمون‌گرایی را در راستای نظم‌سازی به کار گیرد.

به‌طور کلی، مسئله آبی ترکیه در بین‌النهرین با افتتاح رسمی سد ایلسو می‌تواند سند فاجعه زیست‌محیطی و به‌تبع بحران‌های امنیتی - سیاسی و افزایش نشانگان بلوغ تقابل در خاورمیانه

۱. حزب کارگران کردستان (P.K.K)

به‌شمار آید. ترکیه سال‌هاست که برنامه‌ای راهبردی با‌عنوان پروژه آناتولی شرقی<sup>۱</sup> را آغاز کرده است. ادعای ترکیه در ارتباط با طرح پیش‌گفته این است که محرومیت منطقه‌ای با توسعه کشاورزی و افزایش درآمدها و همچنین استانداردهای زندگی، افزایش ثبات اجتماعی، رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و تأمین پایدار برق در منطقه است. این پروژه بزرگ در نه استان ترکیه است که در حوضه رودخانه‌های دجله و فرات است. امروزه در سیستم جهانی و روابط بین‌الملل، هیدروپلیتیک و ژئوپلیتیک به‌عنوان اهرم قوی قدرت در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است. در کنار مسائل و بحران‌های زیست‌محیطی سیاست هیدروهمون‌گرایی ترکیه با تأکید بر آنگیری سد ایلیسو، یک‌سری از نشانگان سیاسی - اقتصادی نیز برای منطقه محتمل است (Kibaroglu, 2014: 316).

با توجه به اینکه ترکیه دارای ساختار تنوع‌صنعتی با مزیت رقابتی در صنایعی مانند خوراک، پوشاک، مواد غذایی، لوازم بهداشتی، آرایشی و لوازم خانگی و... است؛ بدین سبب این کشور بر محور منطق افزایش قدرت به‌دنبال حضور و کسب سهم بیشتری نسبت به رقبای منطقه‌ای خود در بازارهای کشورهای هم‌جوار مانند سوریه و عراق است تا بتواند ضمن سیاست هیدروهمون‌گرایی به بسط نفوذ و راهبرد ژئوپلیتیک نظم‌ساز منطقه‌ای دست یابد و عملاً از چانه‌زنی بالاتری نسبت به رقیبان خود، یعنی عربستان سعودی و ایران بهره‌مند شود و به‌عنوان یک بازیگر - کنش‌گر شماره یک منطقه تبدیل شود.

### نتیجه‌گیری

موقعیتی ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه خاورمیانه بسیار حیاتی و قابل تأمل است و برای این کشور به‌عنوان قدرت بالادستی و برخوردار از دو رود مهم از جمله دجله - فرات، موقعیتی استثنائی در راستای افزایش قدرت به‌منظور نظم‌سازی و تبدیل شدن به یک قدرت مرکزی در خاورمیانه به‌وجود آورده است. ترکیه اساساً با توسل به رویکردها و رهیافت‌های تقابلی - تعارضی در قالب نشانگان بلوغ تقابل و همچنین پیشینه‌سازی خود در مقابل کمیته‌سازی قدرت رقبای، در تلاش برای سیستم‌سازی نوپدید، یعنی گذار از هیدروپلیتیک آبی به ژئوپلیتیک نظم‌سازی ترکیه محور بوده است؛ به بیان دیگر، در سناریوهای سیاست‌گذاری ترکیه بهره‌گیری از ابزارها و پتانسیل‌های ژئواکونومیکی (اقتصادی) به‌منظور افزایش و بسط قدرت منطقه‌ای اجتناب‌ناپذیر بوده و به‌عنوان مؤلفه‌ای نظم‌ساز و قدرت‌آفرین مد نظر قرار گرفته است.

در چشم‌انداز و اهداف هیدروهمون‌گرایی ترکیه بیشتر نشانگان امنیتی - سیاسی به‌عنوان مؤلفه

معضل سازی برای کشورهای پایین دستی از جمله عراق، سوریه و ایران مطرح است؛ به این معنا که بتواند با افزایش میزان ذخیره آبی خود از رودهای دجله و فرات و همچنین اتمام موفقیت آمیز پروژه‌های ده گانه آبی خود، ضمن بروز تقابل در سطح خاورمیانه خود را به حلال مشکلات منطقه‌ای تبدیل سازد و عملاً کنترل و مدیریت خاورمیانه را در دست گیرد. موضوعی که می‌تواند به منزله تکمیل و اتمام برنامه‌های هژمون گرایانه این کشور در قبال دیگر قدرت‌های منطقه‌ای به شمار آید؛ به بیان دیگر، راهبرد هیدرو هژمون‌گرایی ترکیه نوعی ساخت یک ژئوپلیتیک وحشت خاورمیانه برای کشورهای هم‌چون سوریه، عراق و تاحدودی ایران است تا اساساً بتواند این کشورها را در مسئله امنیت و کمبود آب درگیر نماید و خود به ژئوپلیتیک قدرت‌ساز و مدل‌آفرینی در راستای بقای قدرت و کسب ثروت دست یابد؛ یعنی کشوری باشد که در عین بحران‌سازی، می‌تواند خود مدیریت این بحران را انجام دهد و به‌عنوان یک دولت - کنش‌گر بحران‌زدا بازشناسی شود؛ چنین ادعایی در منطبق روابط بین‌المللی آن یعنی ترکیه در منطقه خاورمیانه در صدد گذار از نظم چند قدرتی (چندبازیگری) به یک سیستم تک قدرتی (قدرت مرکزی) است.

### پیشنهادها

- استفاده از سازوکارهای حقوقی مانند کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک برای جلوگیری از برداشت بی‌رویه در حوزه‌های آبریز مشترک؛
- رصد کنش‌گری هیدروپلیتیکی ترکیه در ابعاد مختلف منطقه‌ای؛
- توجه به سیاست‌گذاری بهینه آب در راهبردهای حکمرانی دولت‌های منطقه به‌عنوان یک سیاست دارای اولویت؛
- تغییر شیوه‌های اقتصاد کشاورزی در منطقه و استفاده از وسایل جدید برای جلوگیری از هدررفت آب؛
- همراهی کشورهای متضرر از سیاست‌های آبی ترکیه یعنی عراق، ایران و سوریه برای ایجاد یک کمیسیون مشترک و فوری در جهت حل و فصل این معضل زیست محیطی.

### منابع

- پورابراهیم، ناصر (۱۳۹۳)، «سیاست‌های جدید ترکیه در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۸، شماره ۱، ۱۲۷-۱۴۸.
- رشیدی، شادی (۱۳۹۸)، اهداف راهبردی هیدرو هژمونی ترکیه و پیامدهای امنیتی - زیست محیطی آن بر کشورهای

همجوار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران.

زارع‌زاده ابرقویی، رسول (۱۴۰۰)، «رویکرد جامعه‌شناسانه به امنیت‌سازی»، *فصلنامه آفاق/امنیت*، دوره ۱۴، شماره ۵۲، ۳۴-۵.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۹)، *نظریه پیچیدگی - آشوب و جنگ در روابط بین‌الملل*، تهران: دانشگاه تهران.

ناصری، محمد؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۹). «پروژه سد سازی ترکیه؛ تهدیدات امنیتی برای غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، دوره ۱۲، شماره ۱، ۱۰۳-۱۲۹.

## References

- Acharya, A. (2007) the emerging regional architecture of World Politics, *World Politics*, 59, pp. 629-652.
- Acharya, A. (2014), *The End of American World Order*, Polity press.
- Armitage, D & Plummer, R. (2019) *Adaptive Capacity and Environmental Governance*, Springer.
- Baldwin, R. (2018) Multilateral Regionalism: Spaghetti Bowls as Building Bloc on the Path to Global Free Trade, *World Economy* 29, 1451-1518.
- Behnassi, M. & McGlade, K. (2017), *Environmental Change and Human Security in Africa and The Middle East*, Springer.
- Best, B. & Others (2019) *the SAGH Handbook of Frankfurt School Critical Theory*, SAGH Publications Ltd.
- Brauch, H. G. (2014) *Ulrich Beck: Pioneer in Cosmopolitan Sociology and Risk Society*, Springer.
- Bronner, S. (2017) *Critical Theory: A very short introduction*, Oxford University Press.
- Buzan, B. & Hansen, L. (2009). *The Evolution of international Security Studies*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Cavelty, M. & Balzaeq, T. (2017) *Routledge Handbook of Security Studies*, Routledge.
- Clarke, M. & Others (2022) *the Palgrave Handbook of National Security*. Palgrave Macmillan.
- Collins, A. (2016). *Contemporary Security Studies*, Oxford University Press
- Conker, A. & Hussein, H. (2019) Hydraulic mission at home, Hydraulic mission abroad? Examining Turkey's Regional: Pax-Aquarum and its Limits. *Sustainability*. 11(1). Pp.1-20.
- Conker, A. (2018) Understanding Turkish water nationalism and its role in the historical hydraulic development of Turkey, *Journal of Nationalism and Ethnicity*, <http://doi.org/10.1080/00905992.2018.1473352>.
- Delgado, R. & Stefan, J. (2017) *Critical Race Theory: An introduction*, New York University Press.
- Eren, A. (2018) Transformation of the water-energy nexus in Turkey: Re-imagining hydroelectricity infrastructure, *Energy Research & Social Science*, Vol. 21. Pp. 22-31.
- Fritsch, O. & Benson, D. (2020) Governing Integrated Water Resources Management (Mutual Learning and Policy Transfer), *MDPI*.
- Garzon Pereira, J. (2017) hierarchical regional orders: an Analytical Framework. *Journal of Policy Modeling*, Vol.36, pp. 1-22.
- Hewitt, K. Nephew, R. (2020) *The Revolution and Washington's Reliance on Economic Pressure* Washington D.C: Braking's Institution Press.
- Hinnebusch, R. & Gani, J. (2020) *the Routledge Handbook to the Middle East and North African State and States System*. Routledge.
- Kankal, M. & Others, (2016) Status of hydropower and water resources in southeastern Anatolia Project (GAP) of Turkey, *Energy Reports*, doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.egy.2016.05.003>.
- Kibaroglu, A. & Others (2014) *Turkey's Water Policy*, Springer.
- Koch, B. & Others (2019) *Regional Security in Middle East (Sectors, Variables and Issues)*, Bristol, England.
- Molokwane, P. E. & Dlamini, T. T. C. (2020) National Water Security Framework for Southern



- African;<http://www.nationalPlanningcommission.org.za/assets/Documents/nation%20water%20security%20Framework%20Extended.pdf>.
- Olawuyi, D. S. (2022). *Climate Change Law and Policy in the Middle East and North Africa Region*, Routledge.
- Salman, M. A. (2015) Entry into Force of the UN Water Courses Convention: why should it matter? *International Journal of water Resources Development*, Vol. 30. Pp. 4-16.
- Schovin, S. (2016). *The Geopolitics of Regional Power: Geography, Economics and Politician Southern African*. Routledge.
- Sorensen, M. & Christensen, A. (2012) *Ulrich Beck: An introduction to the Theory of Second Modernity and the Risk Society*, England & New York: Routledge.
- Wang, J. & others (2021). Changing Lengths of the Four Seasons by Global warming: <http://agupubs.onlineLibrary.wiley.com/doi.epdf/10.1029.2020GL091753,19Feb>.
- Warner, J. & Zeitoun, M. (2008) international Relations Theory and Waterdomix: A response to Furling's Troubled waters, hedrohegemony and waterrelation. *Political geography* 27, pp.802-810.
- Wehner, L. (2017) *Emerging Power in Foreign Policy*, Oxford Research. Encyclopedia, World Politics.
- Zartman, W. (2008). Ripeness: The Importance of Timing in Negotiation and Conflict Resolution, E-International Relation, December 8, at: <http://www.eir.info/2008/12/20/ripeness-the-importance-of-timing-in-negotiation-and-conflict-resolution/>

